

وزیر کار خبرداد

اجرای طرح مشاغل خانگی در ۱۰ استان

وزیر کار از برنامه ریزی برای ایجاد مشاغل خانگی در طرح اشتغال فراگیر خبر داد و گفت: هم اکنون در ۱۰ استان به صورت آزمایشی طرح مشاغل خانگی با اولویت اشتغال زودبازده به اجرا در آمده و خوشه سازی و برندسازی در واحدهای خرد و کوچک آغاز شده است. به گزارش ایستنا، محمد شریعتمداری در حاشیه همایش ملی آینده کار افزود: اگرچه به دلیل محدودیت منابع، اجرای طرح اشتغال فراگیر با تأخیر همراه شد ولی انتظار داریم با تأمین اعتبار مناسب و به موقع در سال ۱۳۹۸ طرح اشتغال فراگیر به شکل مطلوب و شایسته عملیاتی شود و به رفع مشکل بیکاری کمک کند.

بررسی اقتصادی ارزش کار خانگی و تولیدات خانگی و خانه‌داری

خانه‌داری چند می‌ارزد؟

جواد غیائی

روزنامه‌نگار

شاید جفای علم رایج اقتصاد (و حسابداری اقتصادی) است که خانه‌داری را شغل به حساب نمی‌آورد و ارزش اقتصادی فعالیت‌های خانه‌داری را در تولید ناخالص داخلی (GDP) محاسبه نمی‌کند! این در حالی است که اگر همین فعالیت‌های روزمره خانه‌داری، توسط افراد یا بنگاه‌های اقتصادی انجام شود در تولید ناخالص محاسبه می‌شود. مثلا وقت صرف شده توسط مادر یا پدر برای مراقبت از کودکان یا آموزش آن ها، پخت و پز، نظافت منزل، تعمیر وسایل خانه، خرید وسایل لازم خانه و حتی ارائه مشاوره در حوزه‌های مختلف، در محیط خانواده انجام می‌شود، هر گز در محاسبه شاخص‌های اقتصادی (تولید ناخالص و اشتغال) نمی‌آید اما اگر همین فعالیت‌ها «بازاری» شود، یعنی از مسیر فعالیت اقتصادی فرد یا بنگاهی دیگر و در ازای «دریافت مزد» انجام شود، مشمول همه آن موارد می‌شود. البته اهالی اقتصاد، توضیحاتی درباره این مسئله دارند که بعضا قابل قبول است اما نمی‌توان از تبعات این موضوع گذشت. پرونده امروز دخل و خرج را به این موضوع اختصاص دادیم تا درباره کم و کیف این موضوع و تبعات آن بیشتر بدانیم. مخصوصا اینکه چند روز پیش خانم ابتکار، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهور اشاره‌ای به ارزش اقتصادی کار خانگی زنان کرد و عدد و رقم‌هایی هم اعلام کرد که برخی را متعجب کرد.



به یک سال متفاوت است) می‌توان مقایسه‌ای بین کشورها انجام داد. چنانچه نمودار زیر نشان می‌دهد، ژاپن با ۱۵ درصد تولید ناخالص (در سال ۱۹۹۶) کمترین میزان فعالیت خانگی را دارد. این بدان معناست که در این کشور عمده فعالیت‌ها و خدمات بازاری شده و تعداد افراد شاغل خانوار بالاست. البته به طور طبیعی هرچه کشورها صنعتی‌تر می‌شوند، میزان فعالیت خانگی هم کمتر می‌شود. چنان‌که پیداست در آلمان میزان فعالیت خانگی از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ از ۶۸ درصد به ۴۳ درصد کاهش یافته است. طبیعتا هرچه فعالیت خانگی بیشتر شود، میزان تولید و فعالیت بازاری هم بیشتر شده و رشد اقتصادی (محاسبه شده) بیشتر می‌شود. با این حال نمی‌توان این رشد اقتصادی را لزوما مترادف با افزایش رفاه دانست چرا که رفاه و ارزشی که قبلا در فعالیت خانگی و با استرس و فشار کمتر ایجاد می‌شده اکنون بازاری شده است و ممکن است حتی رفاه کمتری هم ایجاد کند.

❖ نکته اگرچه اعداد جدول ۲ بسیار بالاست و بیشتر از میزان محاسبه شده برای ایران در سال ۱۳۸۸ است اما باید توجه کرد که این ارقام عمدتا مربوط به حدود ۲۰ تا ۳۰ سال قبل است و احتمالا اکنون بسیار کمتر است.

خدمات خانگی غیربازاری، در حال اضمحلال است؟

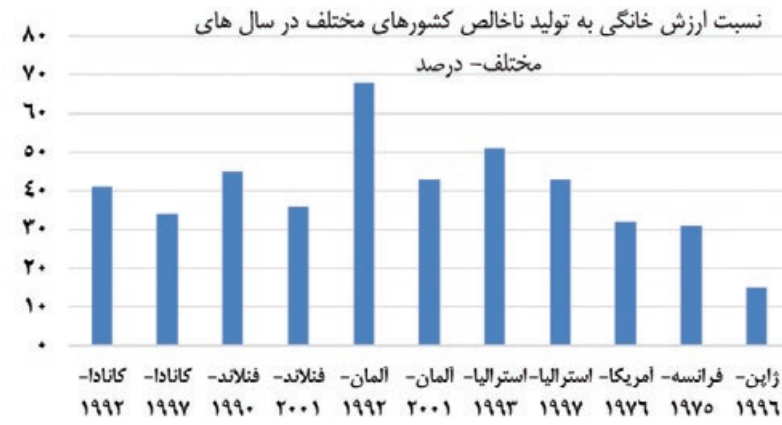
قطعا نه. اگرچه روندها به سوی بازاری کردن همه چیز است اما این موضوع یک نقطه توقف دارد. از یک سو، هرچه فعالیت‌های خانگی کمتر و امور تخصصی شود، بهره وری (بهره وری صرفا اقتصادی) رشد می‌کند و تولید ناخالص کشورها و همچنین درآمدسرانه (قابل محاسبه) مردم رشد می‌کند. مثلا اگر همه غذای خود را از بیرون تهیه کنند، وقت برخی افراد آزاد می‌شود و می‌توانند این وقت را صرف تولید خدمات و کالاهای جدید (مثلا امور بهداشتی و پزشکی یا آموزشی و تفریحی بیشتر) کنند و از این محل باعث افزایش رفاه جامعه شوند. اما آیا این موضوع تا صفر شدن خدمات خانگی قابل ادامه است؟ قطعا خیر. حتی اگر موضوعات عاطفی، روانشناسی، خانواده و... را در نظر بگیریم، با محاسبات صرفا اقتصادی، یک نقطه وجود دارد که انجام خانگی یک فعالیت بهتر از واگذاردن آن به بازار است. مثلا وقت صرف شده برای یافتن تعمیرکار و فراخواندنش کمتر از وقت لازم برای تعمیر وسیله خراب شده است.

آثار لحاظ کردن ارزش خدمات خانگی و خانه‌داری

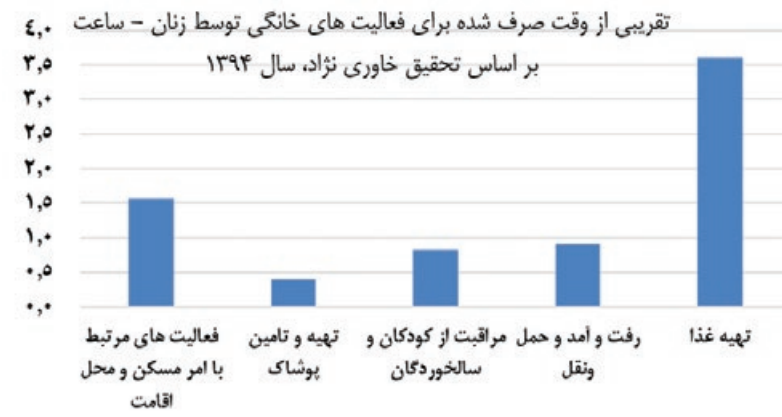
لحاظ ارزش اقتصادی خدمات خانگی، از نظرگاه‌های مختلف، اهمیت دارد. از منظر اقتصادی، ما محاسبه درست تری از واقعیات خواهیم داشت. مثلا ممکن است رفاه واقعی ما نسبت به کشوری که تولید ناخالص مشابه با ما دارد، بیشتر یا کمتر باشد. چرا که ممکن است لحاظ رفاه حاصل شده از خدمات خانگی (از آشپزی و مراقبت و نگهداری و حمایت خانوادگی تا حافظ خوانی بزرگ خانواده یا سفر همزمان چند خانواده با هم به جای سفر با تور و ...) رفاه کل را افزایش دهد.

اما، از منظر اجتماعی و روانشناسی، موضوع جای بررسی بسیار بیشتری دارد. موضوعی که البته در تخصص نگارنده نیست اما برخی فرضیات و حدسیات قابل طرح است. مثلا فرض کنید که ماخانه ارزش اقتصادی خانه‌داری محاسبه و به نحوی پرداخت یا فقط گزارش شود. آیا تغییری در میل فراینده افراد به فعالیت بازاری و اهمیت اعتباری آن، ایجاد نخواهد شد؟ مخصوصا در مورد بانوانی که صرفا به خاطر پرستش اجتماعی (و نه نیاز مالی یا علاقه) به یک فعالیت کسل کننده بازاری می‌پردازند، ممکن است تغییر نگاه ایجاد شود. همچنین احتمال می‌رود، افراد بیشتری سرشان را بالا بگیرند و بگویند که خانه‌دار یا بازنشسته هستند. اگر یک فرد بازنشسته یا زن خانه‌دار، توجه کند که می‌تواند در محیط خانه، خانواده و اقوام، ارزش و رفاهی، شاید بیشتر از زمان اشتغال بازاری ایجاد کند، قطعا نگاه متفاوتی به زندگی و اهمیت نقش خود خواهد داشت.

جدول ۱



جدول ۲



و این ۷ ساعت به چه اموری اختصاص دارد. اجازه بدهید کمی در اعداد و ارقام دقیق تر شویم. طبق تحقیق پژوهشکده پولی، در سال ۸۸ در نقاط شهری حدود ۴۷/۴ میلیارد ساعت صرف امور مربوط به خدمات خانگی شده است که از این میزان، ۳۷/۲ میلیارد ساعت مربوط به فعالیت خانگی زنان شهری بوده است. با یک جمع و تفریق ساده (و لحاظ ۲۱ میلیون نفر به عنوان کل زنان خانه‌دار کشور و حدود ۱۴ میلیون نفر زنان خانه‌دار در نقاط شهری)، هر خانم خانه‌دار در روز حدود ۷ ساعت فعالیت شغلی غیربازاری دارد. از این ۷ ساعت، بیشترین میزان امور مربوط به پخت غذا با حدود ۳/۵ ساعت بیشترین نقش را دارد. نمودار زیر، جزئیات مربوط را نشان می‌دهد.

پژوهشگران چه مواردی را به عنوان فعالیت خانگی دارای ارزش به حساب می‌آورند؟

دسته بندی پنج گانه فوق، در واقع یک جمع بندی از مجموعه اموری است که به تولیدخدمات غیربازاری منجر می‌شود. اما جالب است بدانید که فعالیت‌های بسیار زیاد دیگری هم هست که در صورت عدم انجام در خانه، باید به بازار محول شود و لذا دارای ارزش است؛ از خرید تا خواندن قصه برای کودکان یا رانندگی، اما وقتی پژوهشگران دست به محاسبه فعالیت‌های خانگی و ارزش آن می‌زنند، جزئیات بسیار زیاد دیگری را هم به حساب می‌آورند. مثلا مدیریت امور خانه، حسابداری و بودجه ریزی یا مدیریت سفر کاری که اگر توسط خانواده انجام نشود باید برای انجام آن به کارشناسان، مشاوران یا تورها پول داد. همچنین خواندن کتاب، آموزش و حمایت عاطفی از کودکان، رفتن یا بگردن اعضای خانواده به گردش و.. نیز جزو خدمات خانگی است که چون راهی به بازار ندارد و برای آن پولی پرداخت نمی‌شود، جزو حساب‌های ملی نمی‌آید اما پژوهشگران اقتصادی به هنگام محاسبه ارزش فعالیت‌های خانگی از آن چشم نمی‌پوشند.

کدام کشورها بیشترین ارزش را از محل فعالیت‌های خانگی دارند؟

شاید سوال کنید که وضعیت در دیگر کشورها چطور است؟ ارزش فعالیت‌های خانگی در کدام کشورها بیشتر و کجا کمتر است؟ متأسفانه آمار یکنواخت و قابل مقایسه‌ای در این خصوص در دست نیست. چرا که بر خلاف فعالیت‌های بازاری که سالانه و حتی فصلی، محاسبه و ارائه می‌شوند، فعالیت‌های خانگی، فقط به صورت موردی محاسبه و گزارش می‌شوند. به این حال بر اساس همین بررسی‌های موردی و متفرق (که هر کدام مربوط

حل کند و تصویری درست از اهمیت فعالیت‌های خانگی از نظر اقتصادی و ایجاد رفاه برای جامعه ارائه کند. مهم‌ترین و معتبرترین بررسی مربوط به سال ۹۴ است که در آن وضعیت کار خانگی (فعالیت غیربازاری) در سال ۱۳۸۸ بررسی شده است. طبق این تحقیق، ارزش خدمات خانگی به‌اندازه ۲۹ درصد کل تولیدات محاسبه شده اقتصاد (فعالیت‌های بازاری) است. یعنی اگر سالانه ده میلیون تومان ارزش افزوده بازاری ایجاد شود، همزمان ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان هم در فعالیت‌های خانگی ارزش ایجاد می‌شود. به بیانی دیگر اگر افراد شاغل یا سرمایه گذار (حقوق یا سود یا اجاره بگیر) در هر ماه ۱۰ میلیون تومان درآمد داشته باشند، همزمان باید افرادی که فعالیت خانگی دارند ماهانه ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان دستمزد بگیرند. طبق این تحقیق از این ۲۹ درصد، ۲۲/۵ درصد مربوط به بانوان و زنان خانه‌دار است. یعنی به ازای هر ۱۰ میلیون تومان تولید (کالا و خدمات) در کشور، ۲ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان توسط زنان خانه‌دار ارزش ایجاد می‌شود.

اشتغال چطور؟

همین وضعیت درباره اشتغال هم وجود دارد. اگر فردی در خانه مشغول پخت و پز، نگهداری از کودکان و.. باشد، شاغل محسوب نمی‌شود اما اگر همین کار را در قالب فعالیت بازاری انجام دهد شاغل خواهد بود. نکته جالب‌تر این است که یک نفر با یک ساعت فعالیت بازاری در هفته شاغل محسوب می‌شود اما افراد خانه‌دار (که در ایران به طور متوسط روزانه حدود ۷ ساعت برای ارائه خدمات خانگی صرف کرده و ارزش ایجاد می‌کنند) شاغل محسوب نمی‌شوند! البته برخی می‌گویند که طی فعالیت‌های خانگی، بهره وری بسیار کم است. مثلا اگر یک نفر با ۲ ساعت آشپزی در خانه می‌تواند برای ۵ نفر غذای کامل تهیه کند، در یک فعالیت بازاری (آشپزخانه رستوران) ممکن است طی همین زمان بتواند برای ۱۰ نفر غذا تهیه کند. اما در مقابل این نکته هم مطرح می‌شود که کیفیت خدمات خانگی بسیار بیشتر از خدمات بازاری است. مثلا نگهداری (حمایت، تربیت، آموزش، مراقبت، مهرورزی و...) یک پدر یا مادر از کودکان در منزل، به مراتب موثرتر و بهتر از یک مربی در مهد کودک یا مدرسه است. یا اینکه مراقبت از یک فرد کهنسال در خانه کیفیت بسیار بالاتری (حداقل از نظر عاطفی) از خانه سالمندان دارد.

سهم فعالیت‌های مختلف از ارزش اقتصادی خدمات خانگی چیست؟

شاید سوال شود که این وقت برای چه اموری صرف می‌شود

اینکه چه غذایی بخوریم، باعث رشد اقتصادی می‌شود؟!

اجازه بدهید از همان تناقض یا استاندارد دوگانه اهالی اقتصاد در محاسبه شاخصی برای سنجش رفاه شروع کنیم. اگر فعالیتی از مسیر بازار رفاه ایجاد کند جزو تولید و درآمد ملی می‌آید اما اگر در خانه انجام شود، نه! این استاندارد دوگانه (اگر بپذیریم)، فورا یک تناقض ایجاد می‌کند. توضیح اینکه اگر شما غذای روزانه خود را از رستوران بخرید به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کنید! اما اگر در منزل پخت و پز کنید، چیزی نصیب رشد اقتصادی نخواهد شد! این در حالی است که در هر دو حالت شما به یک میزان مطلوبیت یا رفاه دریافت کرده اید. حتی ممکن است رفاه دریافتی از خوردن غذایی مشابه خانگی بیشتر هم باشد. مگر وظیفه اقتصاد و حساب‌ها و شاخص‌های ملی اقتصادی، محاسبه و بهبود رفاه (مادی) جامعه نیست؟ پاسخ مثبت است اما خود اقتصاددانان هم می‌دانند و معترفند که شاخص‌های اقتصادی (مثل تولید ناخالص داخلی) لزوما مترادف با رفاه جامعه نیست. اما می‌گویند که محاسبه فعالیت‌هایی که بازاری نیستند، سخت است و لذا به همین شاخص‌های موجود به عنوان بهترین چیزی که قابل محاسبه است، اکتفا می‌شود و نماینده رفاه برشمرده می‌شود.

تناقضی که از کلاس اول اقتصاد هست!

در این رابطه، دکتر فرهاد نبلی، استاد برجسته اقتصاد کشور، در مقدمه گزارشی مربوط به محاسبه ارزش اقتصادی خدمات خانگی می‌نویسد: «در درس اقتصاد کلان پایه این پرسش که آیا کار خانگی زنان خانه‌دار در محاسبات تولید ناخالص داخلی منظور می‌شود همواره با پاسخ منفی روبه‌روست. به دنبال این پاسخ، بی‌درنگ این مسئله مطرح می‌شود که با اینکه نتایج کار خانگی به افزایش سطح رفاه خانوار منجر می‌گردد، چرا به عنوان یک تولید اقتصادی محسوب نمی‌شود. طراحان حساب‌های ملی برای این اشکالات پاسخ‌هایی دارند که بر محور بودن فعالیت‌های بازاری در حساب‌های ملی، قابلیت استاندارد کردن محاسبات به نحوی که همه کشورها بتوانند آن را اجرا کنند و نظایر آن متمرکزند.»

برخی محاسبات درباره ارزش اقتصادی خانه‌داری

بر همین اساس، اگرچه در حساب‌های رسمی و شاخص‌های ملی اثری از ارزش اقتصادی کار خانگی وجود ندارد، اما پژوهش‌ها و محاسبات پراکنده بسیاری انجام می‌شود تا این معضل را